

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



گاز و آزادی جنسی



حامد خاکی

در جلسه هیئت نظارت بر مطبوعات بحثی بر سر مطلبی که در یکی از مجلات هفتگی درباره روابط دختران و پسران چاپ شده بود در می‌گیرد، محسنی ازای در پاسخ به اظهارنظرهای سرخیز در مورد این موضوع حرفهایی می‌زند که سرخیز آن را «توهین و فحاشی به خود و جامعه روشنفکری» قلمداد می‌کند، محسنی دو قندان به طرف او پرتاب می‌کند و به او حمله می‌کند و او را گاز می‌گیرد. (دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۸۳، روزنامه‌های شرق و وقایع لاتفاقیه، چاپ تهران.)

انگاز فشار جوانان در ایران به یابوهای پیر جمهوری اسلامی بیش از حد شده. گاز گرفتن سرخیز توسط اژه ای مصداق متاخزی از ضربالمثل مشهور «اسبها در سربالایی همدیگر را گاز می‌گیرند» شد. ارابه پوسیده مذهب زیر بار نفرت عمیق و وسیع جوانان حاج‌آقاها را به لطمه و جفتک زدن یکدیگر کشانده است. گویا حالا ما باید به حال حاج آقا یابو سرخیز غصه بخوریم و برایش دلسوزی کنیم و فقط از حاج آقا یابو از اژه ای بدمان بیاید. همان ترهات قدیمی دوم خردادی. اینها تلاشهای بیهوده برای نجات اسلام است. این ارابه را هرچند بکشند، نهایتا به قعر دره خواهد رفت. با این واقعیتی که یک نسل جوان چند میلیونی با قاطعانه حکمش را داده اند نمی‌توانند کاری بکنند.

این مصداقی است از آنچه ما گفته بودیم، نسل جوان با خواسته‌هایش به میدان آمده. پس از ۲۵ سال زنان و فشار و خفقان و شبکه مساجد و قرآن و تبلیغ ترهات مذهبی، نسل بعمار آمده زیر سایه این حکومت نه تنها وضعی به مذهب و سنتهای کهنه نمی‌گذارد، بلکه کل این رژیم را به مصاف می‌طلبد. این که یک مقاله کمی بوی آزادی روابط جنسی بدهد و حضرات بر سر آن همدیگر را گاز بگیرند که چیزی نیست. ایران در انتظار یک انقلاب جنسی تمام عیار است که آخوند و اسلام و خیلی سنت های ارتجاعی مردسالارانه را به گور خواهد سپرد.

آزادی و برابری، باشعاری که ۱۶ آذر تبدیل به شعار ما شد، به میدان بیایم. در محلات و مراکز تحصیلی، در خوابگاهها و دانشگاهها، در هرکجا که هستیم با شعار آزادی و برابری، رژیم را یک گام دیگر به پرتگاه نزدیک کنیم.

سازمان جوانان کمونیست در پیشاپیش این نبرد است و به استقبال هر چه باشکوتر برگزار کردن این اعتراض علیه موجودیت جمهوری اسلامی می‌رود. به ما پیوندید!

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بهرام مدرسی
۵ خرداد ۱۳۸۳ - ۲۵ جن ۲۰۰۴

فراخوان بهرام مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیست

۱۸ تیر: علیه رژیم اسلامی برای آزادی و برابری

رژیم اسلامی ایران همه تلاش اش را برای ایجاد مانع در مقابل ما بکار انداخته است. از ارباب و تهدید و اخراج از دانشگاه تا فریب و دسیسه و توطئه. رژیم اما ضعیف تر، شکننده تر و بیمار تر از آن است که بتواند مانع ما شود، باید از این فرصت استفاده کرد و امسال بزرگتر و باشکو تر از هر سال هیجدهم تیر را برگزار کرد. باید ۱۸ تیر را به روز سراسری اعتراض به رژیم اسلامی تبدیل کرد و نه تنها توان سرکوب و حمله، که توان حکومت کردن و کش دادن اوضاع را از او گرفت.

در ۱۸ تیر امسال با شعار

سنت جوانان و دانشجویان در صف مقدم این اعتراض قرار دارند و دانشجویان و جوانان چپ و کمونیست فعالترین و پیشتازترین بخش و مبشر ایده های سوسیالیستی و انسانی در دل این جنبش اند.

هیجده تیر روز اعتراض به سرتاپای رژیم نکبت اسلامی ایران و همه جوانب زن ستیزانه، خفقان، فقر و بی حقوقی است. به این اعتبار روز همه مردم آزادیخواه است و امسال باید نه تنها دانشگاهها و خیابانها، که حتی کارخانه ها و محل های کار و سرتاسر جامعه فضای ۱۸ تیر بخود بگیرد.

جوانان ایران، دانشجویان مردم آزادیخواه!

به هیجده تیر، روز اعتراض و اقدام برای رها شدن از شر رژیم اسلامی نزدیک میشویم. این روز ما دانشجویان، جوانان، مردم و زنان و مردان به تنگ آمده از حکومت قرون وسطایی اسلامی است. جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران مهرش را بر ۱۸ تیر حک کرده است.

ما سنت هیجده تیر را بنا نهادیم. سنت اعتراض و حمله به حکومت انسان ستیز اسلامی در ایران. در این



«فاک حجاب» «فاک ملا»!«

اینها عباراتی است که خانم آگنتا کلینکسپر در مقاله جنجالی خود در روزنامه اکسپرس سوئد نوشته است. او که همین ماه گذشته در ایران بوده است از آپارتاید جنسی حاکم بر ایران، از حکومت مذهبی و از حاکمیت دروغ و تظاهر چنان به تنگ آمده است که در پایان مقاله خود می نویسد: «..

مردان. به جای مجبور کردن زنان که کونی به تن کنند، یک چشم بند مشکلی به چشمهای اینگونه مردان بزنند. لعنتی ها... کسی روی دیوار خانه نوشته است «(FUCK)» وقتی

من برای زنان رانده شده به ته اتوبوس ها، بمانند سیاهپوستهای دهه ۵۰ و ۶۰ آمریکا، می نویسم. چند زن جوان به ما میگویند در اتوبوسها جدا نگاه داشته شده اند

راه که چند سال قبل در سقوط هوایما کشته شد، فرمانده سپاه آذربایجان غربی بود. عباس عبیدی، گنجی، و امثال اونا که اصلاح طلب میگرد، پاسدرانی قاتل در کردستان بودند. رئیس صدا و سیما لاریجانی و این جنیده صفحه ۶

هایشون. ۱۰۰ درصد مسولین کشور یا پاسدار یا آخوند یا زن و بچه هاشون هستند!!! از همه این ها بالاتر سپاه است. تمام نماینده های مجلس در تمامی دوره ها، حتی دوره ششم، همه پاسدار بوده و هستند! تمامی وزیر های دولت سابق عضویت در سپاه دارند یا لاقط فرمانده سپاه یکی از استان ها بودند! مثل وزیر

حکومت سپاه! و چند کلمه با پسر خاله!

مصطفی صابر

وقت به درد و دل ام گوش میدی! امروز خیابون ها پر از بسیجی، پاسدار و آخوند بود. همه ارکان نظام همین سه عنصر هستند با خانواده

پسر خاله از تهران به بهرام مدرسی نوشته اند: «ممنون از اینکه هر چند

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حکومت سپاه! و چند کلمه با سرخاله!

ضرغامی هر دو پاسدار بوده و هستند. اصلا هر کس آگه سپاهی نبوده باشه در نظام جمهوری اسلامی جایگاه نداره. حتما شاید بهتر بدویند سپاه حتی از رهبر هم قوی تره میتونه رهبر و هم عوض کنن. همین سپاه، حتی یه بار خمینی رو هنگامی که بین محسن رضایی و رفسنجانی درگیری پیش اومده بود در جریان جنگ تهدید کردند. موسوی اردبیلی هم در نماز جمعه گفته بود: ما آخونده ها هیچ کاره ایم، همه کاره سپاهی هان. با این سپاه بیرحم که حاضر هستن پستان مادر خودشون را هم بیرن این ملت بدبخت و ترسو چیکار میتونه بکنه! از قرار معلوم قدرت های خارجی هم یا میترسن یا به نفع اشان نیست این سپاه را ادب کنه. .. شاید تنها خوبی این سپاه ضد آمریکایی بودن اش باشه... البته شاید دیگه ضد آمریکایی بودن افتخاری نباشه!!

پسرخاله عزیز! نامه شما که بر سپاهی بودن همه جناح ها تاکید دارد، مقابل تبلیغات اخیر دوم خردادی قرار میگیرد که میکوشند با تهدید «کودتای سپاه» هم مردم را به نفع رژیم شان بترسانند و هم برای خودشون بازار گرمی کنند. شما دارید میگویند که همه این حضرات از دم سر و ته یک کرباس هستند و بوده اند. این درست. ولی از یک وجه نامه شما به نظر من تحت تاثیر فضای رعب و وحشتی است که جمهوری اسلامی (هر دو جناح آن) این روزها میکوشد به هر قیمت بوجود آورد.

همه میدانیم که همین سپاه قدر قدرتی که تصویر کرده ای، و البته کل جمهوری اسلامی، در این چند سال گذشته زیر فشار مردم شب و روز ندارد. از ۱۸ تیر بگیر، تا تظاهرات های شبانه پارسال، تا همین فریدون کنار و دماوند و محرم و چهارشنبه سوری چند ماه پیش، و تا اینهمه اعتراضات و اعتصابات که در بین کارگران، معلمان، پرستاران و غیره که هم اکنون جریان دارد. اگر کسی بتواند این سپاه و حکومتش را ادب کند، همین مردم هستند، که کل این سپاه و اسلام و آخوند برای ساکت کردن و نابود کردن انقلاب و مبارزه آنها علم شده است. «قدرت خارجی» یعنی دول بورژوازی غرب خودشون این جمهوری اسلامی و سپاهش را کمک کردند تا علیه انقلاب ۵۷ قدرت را به دست بگیرند. اطمینان داشته باش وقتی دندان طمع آن را میکشند که ببینند اینها حریف مردم نیستند و باید فکر جایگزینی برایشان بود. تا کسان دیگری که ببینند پوست

چند نماز جمعه پیش بود. به نظر من هردو این تفکرات یعنی ضد آمریکایی دانستن خمینی و چشم داشتن به قدرت خارجی گرچه ظاهرشان متناقض است (یعنی علی القاعده کسی که امید به قدرت خارجی دارد نباید از «ضد آمریکایی» بودن سپاه خشنود باشد!) اما در باطن یکی هستند. اساس هر دو اینها این است که جایی برای اعمال اراده مستقیم مردم، برای دخالت خود آنها برای تغییر زندگی شان باز نمی کنده، به آن باور ندارد و بر آن اتکاء نمی کند. به نظر من همه این تفکرات را باید کنار گذاشت.

یک چند کلمه هم علی الحساب در مورد قدر قدرتی سپاه بگویم. به نظر وضعیت سپاه در جمهوری اسلامی بسیار متفاوت است از وضعیت مثلا ارتش ترکیه و پاکستان است. چرا که کل سیستم جمهوری اسلامی به دلالت مختلف از وضعیت آنجا متفاوت است. جمهوری اسلامی یک مجموعه متناقض و تو در تو است که در مقابل خشم و نفرت عمیق مردم قرار دارد. خود سپاه و ارتش جمهوری اسلامی اساسا متکی بر نیروی دواطلب هستند و از لحاظ روحی و انسجام درونی بهیچ وجه وضع شان خوب نیست. با کمترین فشارها از سوی مردم، تمرد و از هم پاشیدگی در صفوف اینها سرعت شروع خواهد شد. نباید تبلیغات دوم خردادی را باور کرد.

پسرخاله عزیز، بر خلاف فضای نامه شما من خوشبینم. فکر میکنم در تمام دنیا اگر مردمی هستند که هم طعم تلخ اسلام سیاسی را چشیده اند و هم می بینند که قدرت خارجی و اقدام نظامی اش وعده «دمکراسی» اش جهنمی مثل عراق برپا میکند، این مردم ایران هستند. بجای تردید این مردم اکنون از هر جای دیگر جهان به یک انقلاب عظیم اجتماعی نزدیکتر اند. این مردم هم در صحنه اند و هم شعور و تجربه سیاسی آنرا دارند و هم حزب انقلاب و رهایی، حزب کمونیست کارگری را دارند. میدانم که کار میخواهد و زحمت دارد، اما صادقانه فکر میکنم شرایط یک انقلاب رهایی بخش از وجود آورده است در ایران بیش از هر جای دیگر مهیا است.

در ضمن من اینرا کاملا مفهیم شما نشانی آخوند و پاسدار در مقابل فشار انگلیس را دیده اید. کمی مایوس و کلافه شده اید. این دقیقا هدف آنها بود تا امثال شما را در آستانه ۱۸ تیر ولو برای دو روز هم که شده کمی دلمرده کنند. آنها حتی میدانند که اینها تاثیرات موقتی دارد. اما جمهوری اسلامی استاد از این ستون تا آن ستون فرج است. میترساند و مرعوب میکند تا بتواند تا اطلاع ثانوی به حیات کثیف خود ادامه

رویدادهای هفته

اسعد کوشا

مارمولک مکلا

حکومت اسلامی با بیرون انداختن جوگرهای دوخردادی یکدست میشود، و دستشان را بر میزنند و مارمولکها را ته دست میکوبند، تا شاید در بازی پکر با شیطان بزرگ و ارویای متحیر از اوضاع انفجاری جامعه ایران فرجی حاصل شود. غلامعلی حداد عادل به ریاست مجلس جدید گمارده میشود تا حکومت عدل علی را زیر سایه مارمولکهای مکلا به شرکای غربی معرفی نماید و مدال تغییر پذیری رژیم را به گردن شرکایشان در بلاد کفر بیاویزند. تفلاهای رژیم به نقطه فکاهی رسیده است، مارمولک ها چه مکلا و معمم به فکر سوراخ موش باشند.

راه حل اختلاف

آقای محسنی اژه ای نماینده قوه قضائیه، و سر داروغه خلیفه اسلام، به شهادت با عکس و تفصیلات قربانی، شانه برادر مسلمان آقای سحرخیز را گاز گرفته است و بدین طریق نه فقط اساس فقه و روش اسلامی که راه حل خود را برای فیصله دادن به اختلافات درون حکومتی را نیز بنمایش گذارده است. میگویند که پرنس چارلز که علاقه زیادی به اسب های نژاد اصیل دارد، از نشین این خبر به وجد آمده و سفارش یکی دو

دهد. ولی یک لحظه فکر کنید که این ارادل دولت را پشت سرشان دارند، مسلح اند، بهشان پول میدهند یا امتیاز و مزایا میدهند که به خیابان بیایند. تازه برای همینقدر جمعیت باید کلی کار کنند و اتوبوس از همه جا فراهم کنند، کلی شربت و شیرینی پخش کنند. با اینهمه باید خیلی ها را به زور تهدید و گرو گرفتن شغل و غیره به خیابان بیاورند. با همه این زور و ضرب باز نگاه قیافه ها که میکنی بجز قیافه های آشنای اوپاش اسلامی کسی را نمی بینی. اما بر عکس مثلا کسانی که در سال گذشته ۲۰ شب پشت سرهم به خیابان آمدند تا جمهوری اسلامی را برانندازند، کسانی بودند که باید جان خود را در مشت میگرفتند و به خیابان می آمدند. می دانستند که چه مخاطراتی در کمین آنهاست ولی بازم می آمدند و میدانستند که وقتی تعداد آنها وسیع باشد رژیم قادر به مقابله نخواهد بود. با اینهمه هر یک نفر آنها هنوز نماینده ۱۰ هزار انسان به جان آمده ای بود که در خانه مانده بودند و با علاقه و دلهره اوضاع



قلاده اژه ای - سحرخیز اصیل داده است. اینرا از آنجا میشود فهمید که بی بی سی که خبر مبارزات قهرمانانه کارگران برای آزادی رهبرانشان در سفر را نشنیده بود، با طول تفصیل ماجرای گاز گیری را (به امید بازار گرمی برای گاز گرفته شده) گزارش کرد.

حالا من شیطان!

بنظر میاید، چلبی سوگولی وزارت دفاع آمریکا، گندم دارالخلیفه تهران را خورده و از بارگاه بوش رانده شده است. گویا حالا ملاها نقش شیطان را برای آمریکا ایفاء میکنند! خلفای بنی خمینی که کارگران ایران را سر کیسه کرده اند، سر توبیره ولخرجی هایشان را برای دو روز حکومت «دنیوی» اقتدر شل کرده اند که هیچ جک و جانور مزدور مسلکی برای خرید در عراق باقی نگذاشته اند. جرم جنایات سران رژیم در حق مردم ایران کم بود حالا همدستانیشان با قاتلین رنگارنگ مردم عراق نیز بر پرونده اشان فزون گردیده است.

را دنبال میکردند و یا در خانه هایشان را باز میگذاشتند به تظاهر کنندگان پناه دهند. هزاران و هزاران مردمی که اگر اوضاع حتی یک ذره گرمی را امنیتی تر باشد، اگر یک ذره تهدید جانی و باتوم و شلاق و گلوله و زندان کمتر باشد، به خیابانها خواهند ریخت.

پسرخاله عزیز در این نمایش ترس و وحشت آخوند و بسبجی و سپاهی، قدرت خودمان را ببین. قدرتی که تنها به زور سرنیزه و کشتار فعلا مهار شده است. سرنیزه ای که هر روز و هر روز باید به رخ کشیده شود. ولی نمی تواند به جنب و جوش و تلاش و امید برای رهایی پایان دهد. این سرنیزه و زور در مقابل قدرت نفرت و اعتراض شکستن است. مدتها پیش از آنکه ما برای ۱۸ تیر کاری کنیم آنها وحشت زده و بیمناک از آینده خود مشغول سازماندهی و تلاش برای ترساندن مردم اند. باید قدرت خودمان را دید و امیدوار و با روحیه کار کرد. باید برای ۱۸ تیر مجذانه دست به کار شد.

پیروز باشید!

منصور حکمت در اوکراین کمونیسم کارگری به روسی!

گفتگو با خلیل کیوان عضو کمیته مرکزی و دبیر تشکیلات حزب در سوئد



جوانان کمونیست: اخیرا سفری به اوکراین داشتید و ملاقاتی با سازمان جوانان حزب کمونیست اوکراین داشتاید. کمی برابمان از دیدارتان بگویید. اول چه شد که به اوکراین رفتید؟

خلیل کیوان: در تابستان گذشته، یکی از دانشجویان ایرانی در اوکراین که برای دیداری به سوئد آمده بود، خواهان ملاقاتی با حزب در سوئد و من شده بود. او به حزب و منصور حکمت بسیار علاقه مند است. همچنین مایل بود که کاری در این رابطه انجام دهد. پیشنهاد ترجمه آثار منصور حکمت را به او دادم. کاری که به کمک دوست دیگری ساشا انجام گرفت

و اکنون منتحی از آثار منصور حکمت به روسی در سایت بنیاد منصور حکمت قرار گرفته است. در همین رابطه و بررسی امکان انتشار منتخب آثار منصور حکمت، در فوریه امسال به کیف، پایتخت اوکراین رفتم. سکرتر حزب کمونیست اوکراین که ترجمه را دیده بود و از قبل فهمیده بود که من به آنجا خواهم رفت، خواهان دیداری با من شده بود. در دفتر مرکزی حزب، ملاقاتی داشتیم. از من خواست که برای سازمان جوانان آنها در دفترشان صحبت کنم. حدود ۱۵ نفر از فعالین جوانان حزب در دفتر بودند. با اشتیاق در باره مسائل متنوع گفتگو کردیم. از جمله: در باره اوضاع کمونیسم، تفاوت سوسیالیسم و سرمایه‌داری دولتی، سقوط شوروی، اوضاع ایران و نقش جریان‌های پرو شوروی در روی کار آمدن و تقویت جمهوری اسلامی، در باره حزب و جنبش کمونیسم کارگری، اوضاع سیاسی عراق، جنبش‌های ضد امپریالیستی، اسلام سیاسی و بسیاری مسائل دیگر صحبت کردیم. از سازمان جوانان اوکراین کار آن می‌پرسیدند. آدرس‌های تماس و سایت‌های حزب را دریافت کردند. بعد از این جلسه نیز، سکرتر حزب از من خواست که روز بعد هم به دفتر بروم و ملاقاتی با اعضا دفتر حزبشان داشته باشم که برابم مقدور نبود.

جوانان کمونیست: جالب است، آن سر دنیا و صحبت از منصور حکمت و کمونیسم کارگری، به روسی؟

خلیل کیوان: خیر، انگلیسی صحبت می‌کردیم. دو مترجم داشتند. خیلی کم و گاهی از مترجم فارسی - روسی نیز استفاده میشد. چون انگلیسی

من متوسط است و گاه راحت تر بود به فارسی توضیح دهم.

جوانان کمونیست: کدام مسائل برای آنها کلیدی‌تر بود؟ آیا با مباحث شما توافق داشتند؟

خلیل کیوان: درک از سوسیالیسم و علت سقوط شوروی، ماهیت جنبش‌های به اصطلاح ضد امپریالیستی (ضد آمریکائی)، عدم استقبال جوانان اوکراین از سیاست و عدم توفیق آنها در جلب جوانان به سیاست و حزب از اهم این مسائل بود.

وقتی روی سرمایه‌داری دولتی و خصوصیات آن و درونمایه مشترک آن با سرمایه‌داری آزاد تاکید گذاشتم و تاکید کردم که، طبقه کارگر شوروی استثمار میشد، اضافه ارزش تولید می‌کرد و مزد دریافت می‌کرد و این جوهر سرمایه‌داری است، بسیاری از آنها با من همراه شدند و عملا روی این مساله به دو دسته تقسیم شدند. اکنون که مباحث ما در قبال مسائل شوروی و علت فروپاشی آن به روسی ترجمه شده است، تردیدی ندارم که در میان مدت بازتاب تاثیرات نظرات حکمت را بیشتر خواهیم دید.

اخیرا از یکی از دست اندرکاران تماس‌های بین‌المللی رفقای حزب کمونیست کارگری عراق مطلع شدم که یکی از جریان‌های در روسیه مواضع حزب ما در عراق را، تأیید و پشتیبانی می‌کنند. بنظر من هنوز نمونه‌هایی کوچک از روی‌آوری‌های وسیع‌تر به مواضع و سیاست‌های کمونیسم کارگری در آینده را نشان میدهد.

جوانان کمونیست: اوضاع در اوکراین چگونه است و حزب کمونیست اوکراین در چه وضعیتی است؟ در مورد عدم استقبال جوانان از سیاست پاسخ شما چه بود؟

خلیل کیوان: حزب کمونیست اوکراین از بزرگترین احزاب بلوک شوروی سابق است. این حزب بیشترین آرا را به خود اختصاص میدهد اما دولت در دست سوسیال دمکرات‌ها است. در این مورد مردم جوک زیاد می‌گویند. بی‌افقی ناشی از سقوط بلوک سابق در غیاب یک نقد سوسیالیستی از علل این سقوط و به همین دلایل عدم جسارت برای خیز برداشتن برای تشکیل دولت و گرفتن سکان جامعه، عدم اعتماد به این

احزاب را در میان مردم تعمیق کرده است. وضع به گونهای است که مردم در حسرت گذشتگان و آن را آرزو میکنند. اگر یک حزب کمونیستی با نقد سوسیالیستی به گذشته حضور داشت، اگر جسارت کافی برای گرفتن مقدرات کشور را داشت بنظر من مردم امروز بسرعت به این حزب روی می‌آوردند. جامعه در فقر، استیصال و بی‌افقی غرق است. اعتیاد، اینز و سل، فحشا، کودک خیابانی، سو تغذیه گسترده، بیکاری، وضعیت انفجار آمیز مسکن و بسیاری از مشکلات دیگر زندگی را به یک کابوس روزانه برای مردم تبدیل کرده است. مردم هیچ امینی برای خلاصی از این وضعیت ندارند. مسابقه بقا به معنی واقعی در آنجا در جریان است. مردم و از جمله جوانان دلیلی نمی‌بینند، امیدی ندارند که با روی آوری به سیاست وضعیت خود را بهبود بخشند. این بخشی از پاسخ من به این سوال بود و اضافه کردم که، بدون یک تصویب حساب همه جانبه در تئوری، برنامه، سیاست و فعالیت روزانیشان غیر ممکن است که جوانان به آنها روی بیاورند. بعلاوه سقوط شوروی را، زرادخانه‌های تبلیغی بورژوازی، شکست کمونیسم معنی کرده و از این نظر کمونیسم در آنجا نیز در موقعیت دفاعی قرار گرفته است. نکته مهم دیگر که روی آن تاکید داشتم این بود که سیمای جهان امروز بنشدت متأثر از جنبش‌ها و جریان‌های غیر سوسیالیستی و غیر آزادخواهانه است. قطب سوسیالیستی، قطب سوسیالیستی غایب است، ضعیف است. این نیز بر اوضاع در هر گوشه جهان و از جمله بر وضعیت جوانان اوکراین در عدم روی‌آوری به سیاست و بلاخص به کمونیسم تاثیر جنی دارد.

در این میان روی یک استثنا انگشت گذاشتم و آن روی آوری جوانان به سیاست در ایران، پایه‌های عینی آن بود. و اینکه جوانان زیادی به سیاست و بویژه کمونیسم کارگری روی آوردند گفتگو کردیم. با آنها در میان گذاشتم که قدرت گیری کمونیسم در هر گوشه جهان بسرعت روری آوری به کمونیسم در جهان را، و از جمله بر اوکراین را، موجب خواهد شد. و امروز بنا به فاکتورهای متعدد این تحول سوسیالیستی در ایران ممکن است و حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان آن، برای آن تلاش میکنند. یک پی‌آمد قدرت گیری کمونیسم کارگری در ایران، بی شک روی آوری به کمونیسم را در جهان در پی خواهد داشت.

از صفحه ۷

ارزیابی از ۱۸ تیر ۷۸

یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی، این انقلاب از دل جنبش جاری و به احتمال قوی با موفقیت جنبش جاری عروج میکند. نیروهای که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت. این بار خامی و خوشبختی انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی طلب اینبار به مراتب تحزب یافته تر خواهد بود. احزاب و نیروهای سرنگونی طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جلال میشوند. اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمی‌بازند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جلال واقعی میان این آلترناتیو ها و افق ها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی طلبی بیشتر اوج میگردد. بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده ای بشدت در درون خود پلازیزه میشود. صفتندی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری- کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصاف مقدم جنبش سرنگونی طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به آنجاست. به انقلاب کارگری. این احتمال البته وجود دارد که سرنگونی رژیم و پیروزی کارگری در یک پروسه همراه با هم و همزمان به وقوع بپیوندد. ما برای این تلاش میکنیم. بهترین حالت برای ما همین است که رژیم اسلامی یا یک انقلاب کارگری سرنگون شود و بجای آن، مستقیما و به کم مشقت ترین شکل، یک حکومت کارگری با یک برنامه کمونیستی برقرار بشود. اما این تنها سیر ممکن و یا لزوما محتمل ترین سیر نیست. زیرا بنظر من نفس اوجگیری جنبش کمونیستی کارگری و قرار گرفتن آن در راس جنبش اعتراضی باعث تجدید آرایش در درون طبقه حاکمه و پیدایش دولت بورژوازی جدیدی بجای رژیم اسلامی خواهد شد که بتواند از موضعی قوی تر و با برخورداری از حمایتی وسیع تر در درون خود طبقه بورژوا چه در ایران و چه در سطح بین المللی، با عروج سیاسی طبقه کارگر در ایران مقابله کند. عبارت دیگر جمهوری اسلامی ممکن است دقیقا برای اجتناب از انقلاب کارگری، یا برای مقابله با آن، توسط خود بورژوازی کنار زده بشود.

بهرحال فاکتورهای زیادی در رویدادهای آتی دخیلند. آنچه من می‌خواهم تاکید کنم اینست که این مبارزه کشادتر، پیچیده تر و چنوبچی تر از مبارزه علیه رژیم سلطنت است. حتی با سرنگونی رژیم اسلامی همه نیروها، حتی بخشهایی از خود اسلاميون سرنگون شده، برای ادامه جنگ قدرت و تعیین تکلیف نهایی نظام سیاسی و اقتصادی در ایران همچنان در صحنه میمانند. حزب کمونیست کارگری باید این پیچیدگی را در سیاست عملی و تاکتیکی و اولویتهای سازمانی خود دخیل کند. سرنگونی هدف ماست، اما پایان کار نیست. نبردهای تعیین کننده تری در راه خواهد بود. باید نیروی آن نبردها را از امروز متشکل کرد. این دوران برای ما نه فقط دوران مبارزه برای سرنگونی، بلکه دوران بسیج طبقه کارگر برای ایجاد یک صف مستقل و حزبی برای ادامه مبارزه تا برقراری حکومت کارگری و خلع ید از سرمایه در سیاست و اقتصاد است. راجع به معانی عملی این تعبیر از روند اوضاع میشود و باید خیلی بیشتر صحبت کرد.

اثر ناسیونال: آیا بنظر شما حزب کمونیست کارگری آماده ورود به این دوران و ایفای نقش هست؟

منصور حکمت: بنظر من اگر هم آماده نباشد، بهرحال آماده ترین است. این رویدادها دارند بر خنثیت نگرش ما به اوضاع و مسیری که طی کردیم تاکید می‌کنند. ببینید ما سازمان سیاسی ساخته ایم که وجانمان را راحت کنیم، فشاری به این و آن بیآوریم، و داور تاریخ و تماشاچی بازیگران اصلی آن باشیم. حزب ساخته ایم که در جلال هر سر نوشت انسانهای معاصر خودمان شرکت کنیم و پیروز بشویم. یک عده کمونیست کارگری هستیم، مساوات طلب و عدالت طلب و آزادیخواه هستیم و می‌خواهیم مساوات و عدالت و آزادی را به اجرا در بیآوریم. اگر الان نوبت نقش تمام تلاش سالیان سال جنبش ما برای شفافیت بخشیدن به تئوری کمونیسم، دفاع از مارکسیسم، دستیابی به برنامه، روشن کردن تکلیف‌ها، یافتن انسانهای کمونیست و انقلابی و متحد کردن و متحدها شدنشان شان بعنوان کاردها و رهبران کمونیست یک جنبش و یک جامعه، جلال با گرایش فکری و سیاسی ناسازگار با انسانیت و عدالت و آزادی، تمام دوندگی ها و خطر کردنها و کشته شدن ها و شکنجه کشیدنها و جنگیدن ها و جلسه گرفتن ها و جر و بحثها و دود سیگار خوردنهای ما برای این بوده که برای چنین دوره ای حزبی ساخته باشیم که بتواند در این جلال واقعی در جامعه نقش بازی کند. ما اینکار را کرده ایم. این حزب را ساخته ایم. بیست سال است داریم این سلاح را میسازیم و صیقل میدهیم تا بتوانیم چنین روزی با آن به جنگ برویم. برای ما الان دوران عمل است. دوران جنبش نیرو است. دوران رشد است، دوران تبلیغات وسیع است. دوران سازمانگری است، دوران آمدن به جلوی صحنه سیاست و دخالتگری است. حزب ما برای چنین روزی از نظر فکری، برنامه ای، سیاسی، تشکیلاتی و حتی روحی آماده شده است. تحولات چند سال اخیر برای ما مقدمات انتقال از یک گروه فشار، از یک گرایش فکری و یک سنت نظری، به یک حزب تمام عیار سیاسی بوده است. به این عنوان ما آماده ایم. بنظر من این دوره در ایران دوره تحزب خواهد بود. چه برای راست و چه برای چپ. «کمونیست منفرد» همسایه خوبی است، اما دخالت در سیاست به نفع انقلاب کارگری و کمونیسم، آنهم در جلالی که اکنون در ایران نفع می‌گیرد، نیاز به تشکل دارد. نیاز به تشکلی دارد که برد این کار بخورد. در نتیجه بنظر من وقت آنست که همه همسایه های خوب ما به یک تشکیلات کمونیستی بپیوندند. به نیروی آنها احتیاج داریم. بعد از پیروزی و بعد از شکست دوباره فرصت کافی برای متفرق شدن هست. الان وقت حزیت است.

جایگاه منصور حکمت در مارکسیسم درافزوده ها: یک لیست مقدماتی

مصطفی صابر



میدانم که عنوان این نوشته چه مسئولیتی ایجاد میکند. مارکسیسم (که اینجا تنوری آن مد نظر است) بسیار وسیع است و منصور حکمت متفکری پر قدرت و پویا است و آثار متعدد و متنوعی دارد. نشان دادن درافزوده ها و مکان منصور حکمت در مارکسیسم کاری است که به بررسی زیادی نیاز دارد. گرچه موضوعاتی که به آن خواهم پرداخت از سال ۹۳، ۹۴ بطور جدی و مستمر در دستور مطالعه من بوده است، ولی میدانم که چنین تلاشی خالی از اشکال و نقص نخواهد بود. پس تمام مسئولیت آن صرفا بر عهده شخص من است و پیشاپیش منتظر نقد و نظرات و پیشنهادات همه هستم.

این نوشته هدف معینی دنبال میکند. اینکه منصور حکمت و مبانی کمونیسم کارگری او را که چیزی جز مارکسیسم نیست، به نسل جوان، به کسانی که از دور با او آشنایی دارند معرفی کند. خود او در سیمناهای دوم و سوم مبانی کمونیسم کارگری (سخنرانی در انجمن مارکس که هنوز مکتوب نشده) میکوشد همین کار را بکند. به این دو سیمینار که شاید از کلیدی ترین آثار حکمت باشند، اشاره خواهم کرد. اما قصد ندارم بحث های او را تکرار کنم. میکوشم کاری را انجام دهم که خود او در آن سیمینار اشاره میکند. اینکه ((یک شخص ثالث)) کسی به جز خود منصور حکمت در باره کمونیسم کارگری او و نقش حکمت صحبت کند. اینجا به ناگزیر این شخص ثالث برداشت ها و دریافت های خود را از حکمت میگوید. اما بر خلاف خود حکمت (که در همان سیمینار اشاره میکند) نگران این نیست که اگر مکان و اهمیت واقعی حکمت را در مارکسیسم بر شمرده حمل بر خودستایی شود. گو اینکه این فشار بر من هست که گویا چون هم حزبی او بوده ام، چون کمابیش از ابتدا تا انتهای زندگی سیاسی او دنبالش کرده ام، بنا بر این اینجا تحت تاثیر مصالح حزبی و یا عواطف شخصی هستم و لذا در موقعیتی نیستم که از او یک ارزیابی منصفانه و ابژکتیو بدهم. همینجا یکبار دیگر به صراحت میگویم که حدود سال ۹۳ همه باورهای خودم، حرفهای مارکس و

محفلی را برسمیت میشناسد، ((غربی)) و ((جلید)) است. کمونیسم فعال، اجتماعی، علنی، اسم و رسم و چهره دار منصور حکمت بدعت و نوآوری جلوه میکند. حال آنکه برای مارکس و لنین این دخالتگری و اجتماعی بودن نقطه شروع حرکت است. خلاصه اینکه کمونیسم کارگری منصور حکمت که در جدال با کمونیسم غیر کارگری و بورژوازیی زمان ما متولد میشود، ویژگی ها و تأکیدات منحصر بفردی دارد که تا پیش از آن در مارکسیسم شاهد نبوده ایم.

دوم اینکه منصور حکمت در اواخر قرن بیست و اوائل قرن بیست و یک زندگی کرد. برای او مسائلی طرح شد که برای مارکس و لنین و کمونیست های ماقبل اصولا نمی توانست طرح شود تا چه رسد پاسخ گیرد. این دسته مسائل از آنهایی هستند که ما با درافزوده های اورژینال منصور حکمت در مارکسیسم روبرو هستیم. او از این امتیاز برخوردار است که جمعبندی از یک تاریخ ۷۰، ۸۰ ساله را به دستاوردهای نظری مارکسیسم اضافه کند. این مثلا در نقد تجربه شوروی حائز اهمیت زیاد است. او این مزیت را دارد که سرانجام یافتن برخی روندهای تاریخی را که مارکس و انگلس و لنین در ابتدا و یا میانه آن شرکت داشتند را ببیند. همچنین حکمت این مزیت را داشت که در یک انقلاب عظیم فعالانه شرکت کند که به نسبت تجارب قبلی (بویژه به نسبت کمون پاریس اواخر قرن نوزده فرانسه و یا انقلاب اکتبر اوایل قرن بیست در یک کشور دهقانی) ویژگی هایی کارگری بسیار روشنتری داشت. او در عصر جهانی شدن سرمایه، در عصر ماهواره و اینترنت زندگی کرد. همه اینها به او امکان میدهد درک روشنتری از مارکسیسم از فلسفه و متد آن گرفته تا مسائلی نظیر مبارزه طبقاتی، دولت، حزب، انقلاب و اصلاحات، آزادی و دموکراسی، انتروناسیونالیسم و ناسیونالیسم و کلا نقد کمونیستی دنیای حاضر داشته باشد.

باید دقت کرد که مارکسیسم شریعت و مذهبی نیست که اصول جامد و لایتغیری دارد. مارکسیسم یا کمونیسم، همانطور که حکمت بارها از انگلس نقل میکند، «علم شرایطی است که این شرایط تغییر میکند آن علم منعکس اش میکند. اگر نکند دیگر اصولا مارکسیسم نیست. گرچه موضوع آن همان است که بود: رهایی طبقه کارگر، که برابر است با رهایی کل بشریت. کمونیسم کارگری منصور حکمت پاسخ به مسائل دنیای امروز است از زاویه دید مارکس و همین به آن خصلت نو و تازه ای میدهد.

در افزوده های حکمت

اجازه بدهید در ابتدای کار لیستی از مهمترین درافزوده های حکمت و در واقع خصلت نما ترین ویژگیهای کمونیسم کارگری او ارائه کنیم تا در ابتدای کار خطوط اصلی کار و ادعاهای خود را مطرح کنیم تا در شماره های بعد این لیست را در جزئیات دنبال کنیم و در پایان کل این مباحث یکبار دیگر به مکان و جایگاه حکمت در مارکسیسم و مبارزه بشر برای رهایی برگردیم.

۱. متد: ماتریالیسم پراتیک. اینجا حکمت درافزوده مهمی دارد و آن تاکید گذاشتن بر پراتیک انقلابی در تفکر مارکس است. کمونیسم بورژوازیی (بویژه نوع روسی و چینی آن) از «ماتریالیسم دیالکتیکی» بعنوان فلسفه مارکسیستی صحبت میکند. این ها در واقع با تحریف و مسخ آنچه که انگلس و لنین در باره ماتریالیسم دیالکتیک گفته بودند، سیستمی جامد و غیر انقلابی از تفکر ارائه میدهند که به درد توصیف متافیزیکی، ایستا، تکامل گرایانه، جبرگرایانه و پاسیفیستی از تاریخ و سیاست و مبارزه طبقاتی میخورد. منصور حکمت با تاکید بر ماتریالیسم پراتیک و انقلابی مارکس بر نقش فعالیت و اراده انسانها در تاریخ، اینکه تاریخ از پیش مقدر نیست و اینکه هدف نه تفسیر که تغییر جهان است، تاکید میکند. این جایگاهی محوری در کمونیسم دخالتگر حکمت دارد. آنرا در هر گوشه از نظر و عمل او میتوان دید. امیدوارم بعدا بتوانم نشان دهم که چگونه منصور حکمت شفافتر و فرموله تر از پیشینیان خود متد فکری مارکسیسم را توضیح داده و فراگرفتن و بکار گرفتن آنرا آسانتر کرده است.

۲. مبارزه طبقاتی: اهمیت جنبش ها. درک تحولات تاریخی و بویژه رابطه زیر بنای اقتصادی و رولهای ایدئولوژیک جامعه در نزد منصور حکمت روشنتر بیان میشود. او نشان میدهد که چگونه از سطح اقتصاد و مناسبات تولید به سطح مبارزه طبقاتی، فرهنگ و سیاست و احزاب باید رسید. مشخصا او نشان میدهد که چگونه منافع طبقاتی از مجرای جنبش ها و سنت های سیاسی معین خود را بروز میدهند. و احزاب پیش از آنکه مستقیما و بطور خطی منافع طبقات را منعکس کنند در دل جنبش های معین اجتماعی با سابقه و سنت معین و البته در تحلیل نهایی متعلق به طبقات شکل میگیرند. درافزودن مفهوم جنبش ها برای حکمت کلیدی است تا برای مثال جنبش های طبقات دیگر که تحت نام کمونیسم حرف

جایگاه منصور حکمت در مارکسیسم

میزند را تشخیص دهد. تحلیل او از تجربه شوروی، جمهوری اسلامی، جنبش های مختلف بورژوازی در ایران از جمله کارست متد مارکسی او در تحلیل مشخص احزاب و رابطه اشان با مبارزه طبقاتی است.

۳. نقد سرمایه داری: بردگی مزدی

در نقد سرمایه داری معاصر، منصور حکمت درافزوده مهمی دارد و آن توضیح موقعیت کشورهای جهانسومی نظیر ایران است که عرصه تولید فوق سود در تقسیم کار جهانی سرمایه داری اند و اینکه چگونه روینای سیاسی این کشورها میل به استبداد و سرکوب دارد. همینطور او تزهایی در باره تئوری مارکسیستی بحران دارد که امیدواریم بعد به آنها اشاره کنیم. ولی شاید از همه مهمتر زدودن گرد و خاک از نقد عمیقاً انقلابی مارکس بر سرمایه داری و تاکید گذاردن بر نقد سرمایه داری به مثابه مناسبات بردگی مزدی است. این در کنتراست شدید با نقدهای کمونیسم بورژوازی قرار میگیرد که مثلاً آثارش تولید و رقابت سرمایه ها، وابستگی و سرمایه امپریالیستی و غیره را مورد انتقاد قرار میدادند.

۴. ساختمان سوسیالیسم: نقد تجربه شوروی

منصور حکمت بویژه به یمن نقد تجربه شوروی که یکی از مهمترین درافزوده های او به مارکسیسم زمان ما است، وظایف انقلاب سوسیالیستی و اقدامات اقتصادی آنرا روشتر از مارکس و لنین تعریف میکند. او گرچه هیچ کجا به طور سیستماتیکی مساله وظایف اقتصادی انقلاب سوسیالیستی را مورد بحث قرار نمی دهد، اما در آثار مختلفش (یک دنیای بهتر، دولت در دوره های انقلابی، نقد شوروی، بازخوانی کاپیتال، سمینارهای کمونیسم کارگری، مارکسیسم و جهان امروز ...) تصویر روشنتر و ملموس تر و عملی تری از سوسیالیسم بدست میدهد. او نه فقط درکهای کمونیسم بورژوازی که هریک بنوعی یک سرمایه داری دولتی را جای سوسیالیسم می نشانند را بروشنی نقد میکند که به نظر من از بحث های مارکس و لنین به مراتب فراتر میرود. امیدوارم بشود با مقایسه بحث های حکمت با مثلاً نقد برنامه گوتا و یا مباحث لنین، نشان داد که چگونه ما امروز به تئوری روشنتری برای پیروزی رساندن یک انقلاب سوسیالیستی به معنای اقتصادی آن مسلح هستیم.

۵. تئوری انقلاب و دولت: دوره های انقلابی.

تاکید منصور حکمت بر دوره

های انقلابی (چه به مفهوم اخص در جریان یک انقلاب معین و چه به مفهوم یک دوره طولانی تر که جامعه از مناسبات تولیدی قدیم به جدید تحول پیدا میکند). یک درافزوده مهم او در توضیح ماتریالیسم تاریخی مارکس و یک کلید مهم برای درک مکانیسم های تحول جامعه به منظور تغییر دادن است. «دولت در دوره های انقلابی» یکی از شاهکارهای حکمت و مکملی بر «دولت و انقلاب» لنین است که درک بسیار پویا و دقیقتری از تئوری مارکسی دولت و بویژه رابطه اقتصاد و سیاست در دوره انقلابی میدهد. همینطور «جنبش سلبی، جنبش اثباتی» که بحثی در مورد مکانیسم انقلاب به معنی اخص و چگونگی رهبری یک انقلاب توسط حزب انقلابی است، بی تردید در افزوده خیره کننده ای به مارکسیسم است. در یک کلام تئوری انقلاب کارگری چه در وجه سیاسی و چه وجه اقتصادی آن توسط حکمت گام های اساسی به جلو رانده شده است.

۶. کمونیسم بورژوازی، کمونیسم کارگری.

مفهوم کمونیسم بورژوازی و نقد مفهوم «روزبونیسم» (تجدید نظر طلبی، ارتداد) یک جهش اساسی برای تولد کمونیسم کارگری محسوب میشود. مفهوم کمونیسم بورژوازی که قبلاً در مانیفست کمونیست آمده بود، برای دوره ای طولانی غائب بود. (برای مثال حتی نزد لنین). منصور حکمت با بیرون کشیدن مجدد این مفهوم آنرا همه جانبه تر و منسجم تر از مارکس بیان میدارد و سلاح ایدئولوژیکی و تئوریکی بسیار مهمی برای درک پرولتاریا از جنبش خود و تمایز با انواع جنبش های غیر کارگری که به نام او حرف میزنند، میسازد.

۷. اصلاحات و انقلاب. منصور حکمت بارها بر درک صحیح از اصلاحات و انقلاب تاکید میگذارد و اینکه چگونه مبنای فعالیت دخالترانه کمونیست ها در تغییر جامعه است. او بارها تاکید دارد که این بحث یکی از وجوه اصلی تمایز کمونیسم کارگری با انواع کمونیسم های بورژوازی است. رابطه اصلاحات و انقلاب در واقع خصلت و کاراکتر سیاسی و عملی این جنبش را تعیین میکند. جنبشی که هر لحظه در تکاپوی بهتر کردن دنیا ولی نه سازش کردن با آن بلکه انقلاب کردن در آن است.

۸. تئوری حزب بخش عمده ای از نوشته ها و سخنرانی ها و در واقع عمر منصور حکمت صرف قانع کردن، متحد

کردن و ساختن حزب و متشکل کردن کمونیستهای دوره خودش در سخت ترین شرایط ممکن میشود. او در باره هر مساله ای از ریزترین وظایف حوزه های کمونیستی تا، تلفیق کار مخفی و علنی تا سیاست های مبارزه نظامی پارتیزانی بدقت اظهار نظر کرده است. او رابطه حزب و طبقه، حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه را دقیقتر از مارکسیست های قبل از خود تعریف میکند. حادثترین جدال های او با کمونیسم بورژوازی به اعتقاد من در همین عرصه فعالیت عملی و حزبی، درک از حزب، نقش حزب در تحولات اجتماعی، مکان رهبری، مکانیسم های تغییر اجتماعی صورت میگردد. در این زمینه او منبعی عظیم برای نسلی جدید از کمونیستها در جهان خواهد بود.

۹. تشکل های توده ای: نقد سندیکالیسم اگر منصور حکمت هیچ کار دیگری هم نکرده بود تنها به اعتبار نقد همه جانبه او بر گرایش اتحادیه گری و سندیکالیستی در طبقه کارگر و تاکید بر شوراها و جنبش شورایی بعنوان ظرف طبیعی تشکل گرایش انقلابی و کمونیستی طبقه کارگر، می بایست بعنوان یک مارکسیست برجسته و یک رهبر فکری جنبش جهانی طبقه کارگر به رسمیت شناخته میشد. مساله برخورد به اتحادیه ها یکی از ظریف ترین مسائل کمونیستها از زمان مارکس، تا لنین و تا به امروز بوده است. همین امروز طبقه کارگر جهانی لطمات زیادی از نداشتن یک نقد پیگیر نظری و عملی از تسلط گرایش سندیکالیستی را متحمل میشود. میتوان نشان داد که چگونه حکمت روح برخورد مارکس و لنین به اتحادیه گرایی و تردیدنیسم را دنبال میکند، اما سرانجام به لطف تجربه تاریخی متفاوت و به لطف تجربه پرولتاریای ایران در انقلاب ۵۷ میتواند موضع منسجم و پیگیر مارکسیستی را در این رابطه بیان دارد.

۱۰. نقد دمکراسی برخورد پیگیر و منسجم به دمکراسی نیز یکی از پروپلماتیک های مارکسیسم بوده است. آنچه که منصور حکمت در «دمکراسی» تعبیر و واقعیت ها» و نوشته های دیگر بیان میدارد، در واقع چیزی جز ادامه خط برخورد مارکس و لنین به مساله دمکراسی نیست. اما او در شرایطی دیگر و با انکاء به تحولات تاریخی معینی این کار را میکند. او در پایان جنگ سرد، پایان جدال دمکراسی غربی و دمکراسی خلقی قادر میشود به یک جمع بندی درخشان از کل مفوله و واقعیت دمکراسی دست یابد و به نظر من نقدی پیگیرتر و روشنتر از مارکس و لنین در قبال دمکراسی و بیان آزدیخواهی سوسیالیستی ارائه

میدهد. اینهم یکی از شاهکارهای مسلم و تاریخساز حکمت است.

۱۱. مبارزه با ناسیونالیسم مساله ارزیابی و برخورد با جنبش های ملی، شعار حق تعیین سرنوشت و موضع کمونیستها در قبال ناسیونالیسم نیز از جمله پروپلماتیک های مارکسیسم است که در هر دوره مطرح میشود. در این زمینه نیز او روح موضع مارکس و لنین را دنبال میکند اما به تعاریفی بسیار دقیقتر و منسجم تر میرسد. او مکان ناسیونالیسم و جنبش های ملی را در دوره ما به روشنی تعریف میکند و نشان میدهد که چگونه هرگونه خصلت روبه پیش جنبش های ملی زایل شده است. درک تاریخی و انقلابی مارکس از مقوله ملت را بسط میدهد و باز میکند. موضع کمونیستها و طبقه کارگر را در مقابل مساله ملی بروشنی و بطور منسجم تعریف میکند. این نیز از درافزوده های مسلم و بسیار مهم حکمت به کمونیسم مارکس و لنین است.

۱۲. آزادی زن ویژگی دیگر کمونیسم کارگری منصور حکمت اهمیت فوق العاده عملی است که به مبارزه برای رهایی زن میدهد. بطوری که آنرا بنا به سنت مارکس و لنین جزو ذاتی و ماهوی کمونیسم خود تعریف میکند. برابری انسانها و طبعاً برابری زن و مرد در تار و پود تئوری و عمل حکمت همیشه حاضر ترین و برجسته ترین چیز است. این نیز یکی از دیگر مشخصات و تمایزات کمونیسم اوست که برای هرکسی از فاصله دور هم بلافاصله قابل تشخیص است. به نظر من کمونیسم کارگری حکمت هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ سیاسی و تعریف مطالبات زنان میتواند پرچمدار دور نوبتی از مبارزه جهانی برای رهایی واقعی و همه جانبه زن باشد.

۱۳. مبارزه طبقاتی در سطح منصور حکمت مباحث متنوعی در توضیح مناسبات طبقاتی و معادلات سیاسی در سطح جهان دارد. او توضیحات دقیقی از تحولات عظیم معاصر نظیر سقوط شوروی و نتایج آن، نقد نظم نوین جهانی و سیاست های بورژوازی جهانی، عروج اسلام سیاسی و نقش آن در معادلات و جدال های بورژوازی، سناریو سیاه و نحوه برخورد به آن، یازده سپتامبر و جنگ تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی غرب و نکاتی از این دست دارد که مبنای یک تحلیل مارکسیستی و کارگری از شرایط سیاسی و مبارزه طبقاتی امروز جهان است. نگاه حکمت به دنیا کمونیسم کارگری او را از تمام شاخه های کمونیسم بورژوازی زمان ما متمایز میکند. بعنوان یک نمونه برخورد حکمت با مذهب و بویژه اسلام و نقش آن در جهان

معاصر به تنهایی کافی است تا او را در مقابل تمام «کمونیست» هایی که به دفاع ضمنی و آشکار از اسلام افتاده اند، قرار دهد. برخورد او به نظم نوین جهانی کافی است تا او را در برابر تمام «کمونیست» های دیگر که هریک به نوعی ناسیونالیست هستند قرار دهد. حکمت حقیقتاً بزرگترین منبع تئوریک برای پیروزی انقلاب کارگری و رهایی بشر عصر ماست. کفایت تا نظرات حکمت در جایی که اندازه کافی مهم و در سطحی اجتماعی پراتیک شود، تا انقلابات قرن بیست و یکم (که شواهد نشان میدهد طوفانی تر از قرن بیست خواهد بود) با نام مارکس و حکمت و کمونیسم کارگری گره بخورد.

این لیست را میشد طولانی تر هم کرد. برای مثال برخورد حکمت به حقوق کودک (حجاب گیت)، برخورد او به سقط جنین، فحشاء و اعتیاد، و یا مباحث عمیق او در رابطه با مطالبات و خواسته های جنبش کارگری (مباحثات مربوط به قانون کار) و همینطور اشارات و تزهایی تئوریکی که هیچوقت فرصت بسط اشاراتی که در نقد پست مدرنیسم در سمینارهای کمونیسم کارگری (دارد) هریک به تنهایی مارکسیسم و کمونیسم کارگری را به پیش رانده و درافزوده های حکمت به اندیشه و نقد مارکسیستی محسوب میشود.

لیست فوق تنها تلاشی برای این است که یکبار خیلی خلاصه هم که شده اهمیت و مکان نظری حکمت در مبارزه کارگری و رهایی بشریت عصر ما بر شمرده شود. این خلاصه کردن یک حسن دارد که یک تصویر عمومی میدهد، اما ضرر آن اینست که ممکن است ما را تشویق کند که حکمت و کمونیسم کارگری او را زیر ۱۴، ۱۵ سرفصل خلاصه کنیم و خیالمان راحت باشد که آها موضوع را گرفتیم! این بدترین کاری است که میشود با حکمت و مارکسیسم کرد. فقط یک مثال: برای اینکه حکمت را فهمید نمی شود کاپیتال مارکس را نخواند.

باری، فکر کردم با این دو پاراگراف آخر شاید قدری جلوی زبان را بگیریم و نفع آن بماند! امیدوارم که در توضیح تیرهگی فوق نشان دهم که حکمت متکی بر مارکس و لنین یک پدیده منسجم و همه جانبه با ابعاد متنوع و بهم وابسته است. اما تنها راه جلوگیری از این ضرر، همانطور که اشاره شد این است که خواننده خود مستقیماً به آثار حکمت (که به همت خسرو داور در سایت حکمت جمع شده است) رجوع کند و بطور جدی و سیستماتیکی به مطالعه حکمت بپردازد.

نامه های شما

ملحد از ایران سرعتم کم بود

«سلام من سعی کردم از طریق سایت حزب www.wpiran.com برم به نشریه جوانان کمونیست اما سرعتم کم بود و نشد. یه سوال داشتم فرق بین جمهوری سوسیالیستی با کمونیسم چیه؟ ممنون میشم اگه جواب بدین.»

ملحد عزیز! جمهوری سوسیالیستی شروع کمونیسم است. جمهوری سوسیالیستی دولت انقلابی است که نیروی وسیع ترین بخش های طبقه کارگر و مردم را به شکل حکومت و برای حکومت کردن متحد میکند و میروند تا بردگی مزدی را بر اندازد. وقتی این بردگی مزدی برافند، وقتی که انسانها برای مزد کار نکنند، وقتی کار تبدیل بشود به یک فعالیت دواطلبانه و آزادانه ما به کمونیسم رسیده ایم. جایی که نه طبقات هست، نه دولت، نه استثمار و نه حاکمیت جهل و خرافه و نابرابری. اگر برنامه یک دنیای بهتر را بخوانی همین جمهوری سوسیالیستی تحت نام حکومت کارگری توضیح داده شده است. در ضمن بعد از نشریه را مستقیماً برایتان میفرستیم. ملحد عزیز به صف ما خوش آمدید و سرعتتان را زیاد کنید!

بابک شدیدی ترکیه کاندوم و شورای نگهبان

مطلبی فرستاده اند در مورد اینکه چگونه داروی بیهوشی فاسد در بیمارستان مهر جمهوری اسلامی منجر به مرگ ۱۳ نفر شده است و ادامه میدهد: «مافیای دارویی ایران تمام و کمال در دست مشکی، عسکر اولادی مسلمان و رفیق دوست است. .. هزاران تن داروی مصرف گذشته را با قیمت ناچیز وارد میکنند و با بسته بندی تقلبی و قیمت کور و گران به خورد مردم بیچاره میدهند... جالب است بدانید که واردات کاندوم انحصاراً در دست جنتی دبیر شورای نگهبان است که با داشتن یک شرکت دارویی و بهداشتی بنام شرکت فیض از این راه میلیونها دلار به جیب میزند.»

مینا از گیلان تماس تلفنی

«آقای مدرسی میخواستم بابت صحبت ها خویشتان در رادیو اترانسپونال در دفاع از زنان و کودکان و جوانان تشکر کنم. نمی توانستم از تلفن و تشکر صرف نظر کنم. بازهم تماس خواهم گرفت.»

افشین از ایران دستنوشته ها مارکس

«سلام. امیدوارم حالتون خوب باشه. من یه میلی به گروه (جوانان کمونیست در یاهو) زدم که یه سوال بود یا بهتر بگم یه درخواست، که دوستان به من گفتند باید به یو

(شما) میل بزنم. به هر حال من دنبال جواب میگردم، فرقی نداره که از کجا بگیرم! من میخواستم یه توضیح کوچولو راجع به قسمت ۵ از مقاله (بخش) مالکیت خصوصی و کمونیسم از کتاب دست نوشته های مارکس بهم بدین. از لطفتون تشکر.»

افشین عزیز، بهتر است دقیقتر بگوئید که کدام قسمت از بند پنجم بخش مالکیت خصوصی و کمونیسم مورد سوالاتان هست. مع الوصف این توضیحات شاید کمک کند: «دستنوشته ها» از آثار اولیه مارکس (۱۸۴۴) است و به منظور انتشار نوشته نشده، بلکه او دارد «خود روشنی» میکند. گرچه سرشار از ایده های فوق العاده است که بعدها مارکس آنها را بسط میدهد ولی گاه فهم منظور مارکس دشوار است. در این دست نوشته ها مارکس از «کمونیسم مبتدل» (که بحث جالبی است) و «کمونیسم واقعی» که بیان اولیه کمونیسم خود اوست، صحبت میکند. ولی گاه روشن نیست که از کدام دارد صحبت میکند و از مضمون باید فهمید که مقصود کدام است.

(ترجمه فارسی هم به این مشکل اضافه میکند!) جمله پایانی همین بند ۵ که شما اشاره کرده اید کاملاً تفسیر بردار است: «کمونیسم یک شکل ضروری و اصل پویای (حاکم بر) آینده بلاصل است، اما کمونیسم به این عنوان هدف تکامل انسانی، شکل جامعه انسانی نیست.» یک برداشت اینست که «کمونیسم به این عنوان» به همان کمونیسم مبتدل برمیگردد، و برداشت دیگر اینست که مارکس میگوید کمونیسم شکل بعدی جامعه انسانی نیست و مرحله تکامل یافته تر دیگری پس از آن منظور است. اما محور بحث در بند ۵ در رابطه با این مساله است که چگونه مناسبات مالکیت خصوصی موجود نفس تفکر مذهبی و اعتقاد داشتن به یک آفریننده را بوجود می آورد. چرا که روابط مالکیت موجود خود معکوس و واژگونه است و انسانی که خالق همه چیز است خود به بنده سرمایه و در واقع مخلوق آفریده خود بدل میشود. بنابراین، مارکس تاکید میکند که چگونه هنوز نفی خدا کافی نیست. نقد باید نقد آن مناسبات مادی باشد که خدا را بوجود می آورد. و چطور سوسیالیسم بیان اثباتی بشر است در مقایسه با آتئیسم که میکوشد با نفی خدا بشر را اثبات کند. تصور من این است که نقد بر نقد مذهبی که در آزمون در بین روشنفکران آلمانی و هگلست های جوان مد روز است در «ایدئولوژی آلمانی» (که یکی دو سال بعد همراه انگلس نوشته میشود) روشنتر بیان شده است.

رفیق مسعود (ایران؟) قدردانی

در نامه ای به امید حدابخشی نوشته اند: «بدینوسیله میخواهم از

محبت و زحمات شما سپاسگزاری کنم. قدرانی!) مسعود عزیز خیلی ممنون. لطف کن برایمان بنویس. از شما و همه خوانندگان میخواهیم که بیشتر برای ما بنویسید. نامه های شما برای ما بسیار مهم است. باور کنید بدون نامه های و فیدبک های شما ما نمی توانیم از کار خود مطمئن باشیم. چه تشکر، چه انتقاد، چه سوال و چه مطلب و مقاله های شما همه کمک زیادی به این نشریه میکند. ما میکوشیم که همه نامه ها را منعکس کنیم.

ماریا آزاده کردستان علیه شکنجه

مطلب کوتاهی نوشته اند در محکومیت شکنجه و اینکه تحت هیچ شرایطی و به هیچ دلیل مجاز نیست. ماریا عزیز ممنون. قول داده بودی که نظرت را در مورد ۱۴۱ بنویسی و ما منتظریم. همینطور هر نظر و بحث دیگری که داری.

کریم احمدی تهران اهمیت تلویزیون

در نامه ای به مسئولین تلویزیون اترانسپونال که برای ما هم ارسال کرده اند از جمله نوشته اند: «از تالشانیان برای برنامه های جالب و دیدنی که پخش میکنید لذت میبرم. آن روزهایی که کمونیست ها را به عقب رانده بودند و آنها نیز قبول کرده بودند که یک جریان حاشیه ای باشند دیگر تمام شده است. امروز در سایه رهبری منصور حکمت و ادامه دهندگان راه کمونیسم کارگری جنبش اجتماعی شکل میگردد که تلویزیون کانال جدید یک قدم اول آن است... تاثیر برنامه های تلویزیون تا همینجا فوق العاده بزرگ، چشمگیر و موثر می باشد. دست همه تان درد نکند. واقعا عالی است. و اما یک پیشنهاد: شکافتن عرصه هایی از برنامه یک دنیای بهتر تقریباً مثل برنامه ای که آذر ماجدی و حمید تقوایی داشته و در شکل جوابگویی به سوالات در زمینه های مختلف مطرح گردید عالی و فوق العاده تاثیر گذار است. .. فعالین داخل بقدری با مسائل و سوالات متعدد روبرو هستند که واقعا قادر به جوابگویی نیستند. تلویزیون فضای جامعه را برای کار رهبران عملی اعتراضات اجتماعی خیلی راحت میکند. کافیسیت که مردم جواب سوالات خود را از تلویزیون بشنوند، در محیط کار و زیست خود به دنبال فعالین حاضر خواهند رفت. امروز دیگر رهبران عملی کار نیمه علنی میکنند. دیگر زمان کار مخفی به پایان رسیده است...»

مبین از مریوان مرگ دو دختر

در نامه ای به بهرام مدرسی از ماجرای قتل فجع دو دختر جوان در مریوان خبر داده اند که گویا تن فروش بوده اند و اظهار نگرانی کرده اند که قتل زنان در مشهد در جاهای

دیگر هم دارد تکرار میشود. به ما قول داده اند که تحقیقات بیشتری در این مورد بکنند. مبین عزیز خیلی متشکر. ممکن است که عاملین این قتل ها مشتریان این دختران نکوب بخت باشند و یا خود سپاه و ارادل جمهوری اسلامی و یا یک مسلمان متعصب جانی و احمق. بهر حال جمهوری اسلامی دارد هر روز به انعامختلف با حجاب و محروم کردن دختران و زنان از ابتدایات زندگی، با ترویج اخلاقیات مردسالارانه، با تحمیل خودکشی، با قتلهای ناموسی، با سنگسار و روش های دیگر زنان را قتل عام میکند. این حکومت و اسلام اش ضد زن به معنای وحشتناک کلمه است!

مسیح از شیراز بد فکر میگردم!

به علی جوادی نوشته اند: «من اولین بار که شما را دیدم تو میز گرد تلویزیونی بود که از همه احزاب بودند. راستش من در مورد کمونیستها خیلی بد فکر میگردم. اما وقتی آقای همایون گفت آقای علی جوادی از طرف حزب کمونیست کارگری است و وقتی شما را دیدم پیش خودم گفتم همچین آدمی که به این تشنگی صحبت و شخصیت جالبی داره نمی تونه هوادار یک حزب پوچ باشه. به خودم گفتم باید نقل کمونیست کارگری بیشتر بخونم... تو اینترنت سرچ کردم و به سایت حکمت برخوردیم. وقتی آثار منصور حکمت رو خوندم به عظمت این بشر پی بردم و به قول معروف دوهزاری ام افتاد که چی داره میگه... در ضمن کانال جدید را هم مرتب نگاه میکنم... مسیح ۱۸ ساله از شیراز»

ریورا آزاد مریوان منشاء جمهوری اسلامی

طی نامه ای برای بهرام مدرسی چگونگی شکل گیری جمهوری اسلامی را بطور خلاصه بیان کرده اند که خود بحث جالبی است. امیدواریم بتوانیم تمام نامه ایشان را بیابیم و به آن بپردازیم.

م. الوند، ایران چپ سنتی

«در چند شماره از نشریه شما که به موضوع موسیقی پرداخته شده بود شما از واژه چپ سنتی استفاده کرده اید که برای خواننده ای مثل من پر ابهام میباشد. شاید منظور شما از چپ سنتی همان چپ سرمایه می باشد که به جریاناتی مثل حزب توده و اکثریت اطلاق میگردد. بهر حال دوست عزیز آقای محمود قزوینی قول داده بودند که در این موارد مطالبی که به جریانات سنتی و حاشیه ای وجود دارد بپردازند و در نشریه شما جهت معرفی آنها برای خوانندگانی از قبیل من درج گردد.» دوست عزیز الوند، ما در شماره ۱۴۰ مفصلاً به چپ سنتی پرداختیم. این شماره را برایتان میفرستیم و

امیدواریم که نظراتان را بگویید. منظور ما از چپ سنتی بطور کلی کمونیسم غیر کارگری و بورژوازی است و تا آنجا که به ایران برمیگردد فقط به توده ای و فدائیان اکثریت محدود نیست. کل جناح چپ و به اصطلاح کمونیست جنبش ملی اسلامی را در بر میگیرد. حزب توده و کل خانواده فدایی در محور آن است. اما برای مثال جریاناتی نظیر رنجبران و سایر مائوئیست های ایرانی و یا تروتسکیست های ایرانی نظیر وحدت کمونیستی و یا بقایای درب و داغان آن، همینطور جریانات موسوم به کارگر کارگری و غیره را نیز در بر میگیرد. تمام این جریانات علیرغم اختلافاتشان نهایتاً همان آمال و افق های جنبش ملی اسلامی بورژوازی ایران را (البته با بیان چپ و فرمیستی) نمایندگی میکنند: یک سرمایه داری دولتی، ملی، مستقل تحت نام سوسیالیسم و خلق!

م. الوند عزیز در مورد بحث شما در زمینه موسیقی، قبلاً (فکر کنم در ۱۳۷) بحثی بسیار شبیه آن داشتیم. خیلی از شما متشکریم و بازهم برایمان بنویسید.

امید امیدوی سوئد دو مقاله

دوست عزیز مقالات شما رسید. خیلی متشکر. بپوش میخواهیم که زودتر رسید ندادیم و بیشتر عنذر میخواهیم که مقالات شما اکنون در دسترس نیست تا خلاصه ای از آنرا به خوانندگان ارائه دهیم.

آرش سرخ تهران مخالفت، اما میگویم!

«... مصطفی جان! از پیش میدانم که با طرحی که الان میخوام بدم مخالفت میکنی، اما میگویم! به نظرت بهتر نیست که این عکس و دو جمله معروف ژوبین (منصور حکمت) را از سر در جوانان (فقط تاکید میکنم فقط جوانان) برداریم؟ در عوض به صورت تناوبی از مارکس، انگلس، لنین و صد البته حکمت قطعه های کوتاهی آن بالا بنویسیم؟ اینجوری مشخص میشود که رهبر ما فقط حکمت نیست. خواهش میکنم به این طرح فکر کن. بدم نمی آید یکی دو هفته دیگه عکس مارکس را ببینم با جمله ای بغلش!

... و اما پیشنهادات من برای موسیقی که از کانال جدید پخش میشود! این فقط نظریات من نیست. جمع آوری شده از دوستان مختلف است. موسیقی ایرانی: قدیمی: ویگن، کوکوش، داریوش، منوچهر، سخایی، فرهاد، فریدون فرخزاد. خواننده های کنونی: منصور، سیاوش قمیشی. سرودهای قدیمی انقلابی، یاد آور مبارزات سال ۵۷: سرآوادم زمستون، سرود اترانسپونال، چرخه صنعت، و کلان سرودهای کوهستان! اینها هنوز خیلی محبوب اند. گروههای خارجی: نیروانا، شکیرا، پینک فلوئید، لینکین پارک، بیتلز، اتریکو ایگلسیاس...»

ارزیابی از ۱۸ تیر ۷۶ سرنگونی و انقلاب

منصور حکمت

این نوشته دو ماه بعد از ۱۸ تیر تحت عنوان جنبشی توده ای برای سرنگونی رژیم آغاز میشود در نشریه انترناسیونال شماره ۳۰، مرداد ۷۸، منتشر گردید.

انترناسیونال: شش روزه که رژیم اسلامی را لرزاند، توصیف گویائی برای رویدادهای اخیر است، که بطرز خیره کننده و بیسابقه ای نفرت عمومی علیه جمهوری اسلامی و آمادگی توده مردم برای برخاستن و رویروی رادیکال با رژیم را روی صحنه خیابانها آورد، تأثیرات این خیزش بر رابطه آتی مردم و رژیم را چگونه ارزیابی میکنید؟

منصور حکمت: این رویدادها اثبات حقیقتی بود که ما برخلاف تصورات و تبلیغات اپوزیسیون و رسانه های خاتمی چی بر آن تأکید داشتیم و آن اینست که مردم ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهند. خواست مردم نه تعدیل حکومت اسلامی، بلکه سرنگونی آن است. رای دو سال قبل مردم در دوره ای ارتجاعی ناطق نوری یا خاتمی، سند ورود آنها در مقیاس وسیع به مبارزه فعال برای خلاصی از سر جمهوری اسلامی بود. این رای خاتمی نبود، رای علیه رژیم، علیه اسلام و اسلامیت، علیه اختناق و سرکوب، علیه فرهنگ ارتجاعی تحمیلی، علیه فقر و نابرابری و بی حقوقی در ایران امروز بود. جمهوری اسلامی رفتنی است. این آغاز بالفعل موج مبارزات وسیع و علنی ای در ایران است که یک نتیجه اجتناب ناپذیر آن سرنگونی رژیم اسلامی خواهد بود. با این رویدادها اردوی سرنگونی طلبی در ایران، که ابدا یک اردوی یک دست و «همه با هم» نیست و نخواهد ماند، بعنوان یک جنبش علنی و مردمی اعلام موجودیت کرد. از این تاریخ، حکم قدیمی ما که جنالهای جاری سیاسی در ایران نه دو طرف (خامنه ای - خاتمی)، بلکه سه طرف دارد، یک حقیقت غیر قابل انکار و پذیرفته شده محسوب میشود. جنال مردم علیه کل رژیم اسلامی، آن عاملی است که این جناحها را در جستجوی چاره بجان هم انناخته است. رویدادهای اخیر اعلام موجودیت مستقل و علنی یک جنبش مردمی برای سرنگونی بود. این بنظر من بر روش و رفتار جناحهای حکومت، احزاب سیاسی و خود مردم در ماههای آتی تأثیرات تعیین کننده ای خواهد داشت. جالب است که در این میان الفاظ و اصطلاحات رایج تا دیروز چگونه بسرعت کهنه شدند و تصاویر و شمایل های سیاسی میان میدان چگونه دگرگون شدند. خود حکومت از خطر «پرانرژی» و «ختم نظام» که گویا از بیخ گوش رژیم گذشته است صحبت میکند. عبارت جامعه مدنی جایی کم و گور شد، خاتمی برای معترضین رجزخوانی کرد و خامنه

دیگر جلوی قیام مستقل مردم را نمیتوانند بگیرند. در طول این روند، در مقطعی که تناسب قوا بیش از این علیه رژیم چرخیده باشد، کودتا و حکومت نظامی محتمل خواهد بود. اما همین امروز وقوع کودتا دور از ذهن است. ماجرای نامه سران سپاه پاسداران به خاتمی و پاسخهایی که از احزاب و روزنامه های دو خردادی گرفت خیلی جالب بود. زستی توخالی بود و از جناح مقابل پاسخی تحقیر آمیز و شماتت گرانه گرفت. البته علیرغم همه مخاطراتی که راه انناختن یک موج سرکوب با یک کودتا برای خود رژیم اسلامی ایجاد میکند ممکن است باز این عمل، با هر محاسباتی، صورت بگیرد. صحبت من اینست که چنین حرکتی خیلی زود در هم خواهد شکست. خصلت ذاتی حکومت نظامی و کودتا اینست که اگر شکست بخورد، دیگر رژیم رفته است. اما این به این معنی نیست که جمهوری اسلامی در همین دوره به جنایات و اعمال کثیفی دست نخواهد زد. برعکس، در این شک نیست که یک توافق علنی میان جناحهای حکومت برای اعمال خشنون علیه گروهها و احزاب اپوزیسیون غیر مجاز و ناراضیان فعال در ایران وجود دارد. اسم این را ظاهراً توافق بر سر گذار از تابستان مشکوک" گذاشته اند. میخواهند این دور را میان خود مساوی اعلام کنند، و توافق کرده اند که باید به این منظور از مردم و معترضین قربانی بگیرند و جامعه را ارباب کنند. بسیج نیروی زیاد و تلاش زیادی لازم است تا مردم و همه ما کاری کنیم که کسانی نظیر منوچهر محمسی، غلامرضا مهجری ژاد، مریم شانس، کارزونی و دیگر دستگیر شدگان جان سالم از دست این اوباش در ببرند. اما نتیجه این زورآزمایی مشخص هرچه باشد، سرکوب وسیع و به خانه فرستادن مردم در حیطه امکانات اینها نیست. (اجازه بدهید همینجا توجه خوانندگان انترناسیونال را به کمپین وسیع حزب در دفاع از دستگیرشدگان اخیر و همه زندانبان سیاسی جلب کنم. به این کمپین پیوندید.)

منصور حکمت: این تصور که رژیم اسلامی میتواند از نو یک ۳۰ خرداد ۶۰ دیگر را بیاندازد، اشتباه است. این دو دوره عمیقاً با هم فرق دارند. آن دوره شکل گیری جمهوری اسلامی، دوران پیدایش یک جناح مسلط در درون آن برای یکپارچه کردن حاکمیت و کوبیدن موج جنید اعتراضی در میان مردم بود. تناسب قوا میان رژیم و مخالفانش اساساً متفاوت بود. آن دوره، دوره تعرض و استقرار رژیم اسلامی بود. این دوره، دوره اضمحلال و عقب نشینی آن است. امروز برعکس، روند تشنت و فرسایش رژیم اسلامی را شاهدیم. رژیم در یک تکاپوی حاد برای بقاء است. جناحهایش دقیقاً بر این زمینه بجان هم افتاده اند. مردم، نسل جدیدی از مردم، علیه آن برخاسته اند. سیاست سرکوب در مقیاس وسیع در چنین شرایطی فوراً رژیم را از درون دچار فلج و تشنت میکند و یک تعرض فعال توده ای علیه حکومت را باعث میشود. طبعاً در کل روند سقوط حکومت اسلامی، در مقطعی امکان رخ دادن کودتا و اعلام حکومت نظامی هست. اما این کودتا زمانی برای جناح کودتاگر موضوعیت و خاصیت پیدا میکند که جناح مقابل قبلاً عملاً از نظر سیاسی زانو زده باشد و حاضر باشد میدان را ترک کند و برای حفظ اساس حکومت اسلامی در برابر کودتا تسلیم بشود. اما اگر برای مثال جناح دوم خرداد حاضر نباشد از میدان بیرون برود و اندک مقاومتی در برابر کودتا بکند، آنگاه کودتا به چاشنی خیزش توده ای مردم علیه کل رژیم تبدیل میشود. و اگر بنا باشد خاتمی چی ها کودتا کنند (که به همان اندازه قابل تصور است که حالت دیگر)، آتوق

جناح نظیر دفتر تحکیم وحدت و تشکلهای اسلامی دیگری که در دانشگاه فعالیت مجاز دارند، بسرعت حمایت اولیه شان از حرکت اعتراضی دانشجویان در قبال سرکوبگری نیروهای انتظامی را پس گرفتند و همصدا با خامنه ای و انصار حزب الله و ناطق نوری و جنتی و غیره خواهان سرکوب این خیزش رادیکال شدند، این موردی از «وحدت» جناحها در حالت بخطر افتادن «نظام» بود، در عین حال کشمکش جناحها بر سر نحوه مقابله با طوفانی که رژیم را لرزاند و تحکیم موقعیت خود در جریان مقابله با این طوفان همچنان ادامه دارد، چشم انداز کشمکش حاضر درون رژیم را چگونه می بینید؟

منصور حکمت: بنظر من اختلاف جناحها و صف بندی آنها در مقابل هم نه فقط سرچایش هست، بلکه با این رویدادها تشدید هم خواهد شد. هر قدر فشار مردم به کل این حاکمیت بیشتر بشود، و هر قدر نظامشان بطور کلی بیشتر از طرف مردم تحت فشار باشد، شکافهایشان عمیق تر خواهد شد. برخلاف بیشتر مفسران، من فکر نمیکنم برنده این دور، جناح خامنه ای و باصطلاح راست ها بودند. هر دو جناح سر موضع خود ایستاده اند. حمله هر دو جناح به مردمی که علیه کل رژیم برخاستند، نقطه توافق آنهاست و نه مبنای وحدتشان. اما اختلافاتشان با هم در این ماجرا به مراتب تشدید و تعمیق شد. اتفاقاً نکته ای که میتوان روی آن انگشت گذاشت، و بنظر من جناح راست به روشنی درک کرده و در لحن آموزش کاملاً پیداست، این است که جناح دوم خرداد در صحنه برخورد فیزیکی و عمل تهاجمی علیه جناح رقیب دست کمی از او ندارد و آماده ریسک کردن است. بنظر من این رویدادها در میان مدت دست دوم خردادی ها در درون حاکمیت را حتی قوی تر کرده است و به جناح خامنه ای فهمانده است که اولاً، تاخات و تاز انصار حزب الله و اعمال فشار خشک به خاتمی چی ها جوابگو نیست و حتی میتواند نتیجه عکس داشته باشد و ثانیاً، دقیقاً به دلیل وجود مردمی که در کمین کل رژیم نشسته اند، برای کند کردن و مهار حرکت مردم به خاتمی و جناح دو خرداد احتیاج دارند. بنظر من الان هر دو طرف دارند تفاوتشان را می شمارند و دشمنه هایشان را برای دور بعد تیز میکنند. اما در محاسبات هر دو طرف قدرت عظیم مردم خواهان سرنگونی از این پس جای بسیار مهم تری را اشغال خواهد کرد و این بر تکتیکهایشان تأثیر میگذارد. در این شک نیست که هر دو طرف از این تکان خوردن مردم وحشت زده شدند. اما چاره زیادی جز ادامه و حتی تشدید کشمکش درونی با هم را ندارند. موقعیت رژیم یک موقعیت لاعلاج است. سرکوب و ترور و زدن و بستن دیگر جلوی مردم را نمیگیرد و بیحاصلی اش را اثبات کرده است. در مواجهه با هیولای خیزش مردم و انقلاب، چنین سیاستی قبل از هر چیز خود حکومت را تجزیه میکند. سیاست سرکوب نمیتواند پرچم وحدت جناحها باشد. از طرف دیگر هر درجه گشایش سیاسی، هر روزنه ای برای ابراز مخالفت، بر شدت مبارزه مردم و اپوزیسیون غیر قانونی می افزاید. هر سازشی با

مردم، به ناسازگاری بیشتر مردم با رژیم منجر میشود. الان دیگر شعارهای مردم را دیده اند. به این ترتیب پاسخ دوم خردادی ها هم حلال مشکلات رژیم و ضامن وحدت درونی و بقاء آن نمیتواند باشد. رژیمی که پاسخ اقتصادی ندارد، راه پس و پیش سیاسی ندارد، مورد نفرت مردم است، و اکنون دیگر مردم را در میدان مبارزه توده ای و علنی علیه خویش می یابد، قطعاً رفتنی است. جنال میان جناحها جبراً حدت میگیرد.

سر راه حکومت یک میدان مین گسترده است. انتخابات مجلس ششم در راه است. در درون طبقات کارگر چیزی دارد به نقطه جوش میرسد، دو ماه دیگر مدارس باز میشود و به احتمال قوی دانش آموزان پس از این «تابستان گرم و طولانی» بشدت معترض و سیاسی خواهند بود. و مهم تر از همه ناراضیاتی شدید و غیر قابل مهار طبقه کارگر و توده مردم از اوضاع اقتصادی است. دوره بسیار پرتلاطمی در راه است.

انترناسیونال: بعضی از شروع یک انقلاب سخن میگویند. آیا این یک انقلاب است. آیا انقلاب ۵۷ دارد تکرار میشود؟ چه تشابهاتی میان جنبش امروز و انقلاب می بینید؟ چه تصویر استراتژیکی از روند اوضاع دارید؟

منصور حکمت: آنچه اولاً در جریان است یک انقلاب نیست. میتواند شروع یک انقلاب باشد، و میتواند نباشد. بنظر من عدم تشابه میان اوضاع این دوران با انقلاب ۵۷ به مراتب بر تشابهات آنها می چرد. آنچه ما شاهدیم شروع جنبش توده ای مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی است. من تردیدی ندارم که این جنبش پیروز میشود. یعنی رژیم در ادامه جنبش جاری برکنار میشود و جای خود را به چیز دیگری میدهد. اما بکار بردن مقوله انقلاب برای این جنبش این اشکال را دارد که تصاویر و معادلات انقلاب ۵۷ را در اذهان فعالین امروز زنده کند و لاجرم دینامیسم های متفاوت دوره کنونی را از چشم پوشیده بدارد. بنظر من ایران میتواند در آستانه یک انقلاب باشد، اما چه بسا این انقلاب تازه با سرنگونی رژیم اسلامی، یا لاقلاً با فلج کردن آن، به معنی واقعی کلمه شروع بشود. بعبارت دیگر من جنبش مردم برای سرنگونی را، با همه خیزشها و قیامها و نبردهایی که در بر خواهد داشت، از انقلابی که میتواند از دل این جنبش عروج کند متمایز میکنم. جنبش سرنگونی طلبی میتواند پیروز شود بی آنکه لزوماً کل ماشین دولتی را هدف گرفته باشد و یا در هم کوبیده باشد، بی آنکه یک تک قیام پیروزمند علیه حاکمیت صورت گرفته باشد. رژیم اسلامی میتواند زیر فشار مردم تجزیه شود، متلاشی شود، جایگزین شود. میتواند در نتیجه یک قیام شهری در تهران سقوط کند. میتواند با یک کودتا از بین برود. اما رفتن رژیم اسلامی بنظر من به احتمال قویتر، نقطه ای در اوائل سیر انقلاب آتی خواهد بود و نه اواخر آن. انقلاب ایران یک انقلاب همگانی و یک جنبش «همه با هم» نخواهد بود. انقلاب ایران انقلابی کارگری خواهد بود با هدف اثباتی ایجاد

کار و زندگی، مسلمان و کافر

لینک

ناصر زنونز

nzozunz@netscape.net

روزگار من

http://weblog.hamedyou.com

کار و زندگی!

راستی ما کار میکنیم تا زندگی کنیم یا زندگی میکنیم تا کار کنیم؟!

بامداد

http://bamdad.blogspot.com

توره ی سربلند محمد!!

خبر جنگ ستایی اخیر جناب محمود خان دولت آبادی را دوستی از ولایت کانگوروا برایم فرستاد که بامدادک بخواند و پاسخی بدهد. اما

وقتی خبر را خواندم دیدم در افشانی های ایشان سزاوار پاسخی پرو پیمان تر از پاسخ های کوتاه بامدادک است. البته نخستین بار نیست که جناب ایشان مرتکب به قول خودشان فریضه ی جنگ ستایی میشوند. آخرین شان هم دست مایه ی یکی از نوشته های همین صفحه شده بود که راستش را نخواهید حال و حوصله یافتن اش را در هزار توی بایگانی ندارم!!

ایشان در تازه ترین انجام فرضیه جنگ ستایی اشان فرموده اند «کلا» بلون شک، این دفاع، مقصد است، برای اینکه از نظرما هم جنبه ایمانی دارد و هم جنبه ملی و در عین حال، یک واقعیت بسیار خوفناک است و بایستی که اثری فراخوش پدید آید. « به بیان دیگر جنگ ایران و عراق آمیزه ای است از قداست و ناسیونالیسم



مبتذل که چاشنی خوف به آن زده باشند. از همین الان پیشنهاد میکنم اسم اثر هنری فراخور در این باره را که قرار است به دنیا بیآورند بگذارند «ترش تره ی مقدس»!!! «سپاه سربلند محمد» هم بد نیست!! جناب دولت آبادی این اسم نباید برایشان نا آشنا باشد!! اسم ایشان هم در فهرست این پرورش یافتگان همان فرهنگ دفاع مقدس بوده است. برای آنکه اسم اول را شهید نکرده باشیم «ترش تره سربلند محمد» هم بد نیست!!

عزیز دردونه

http://weblog.omila.com

با اجازه شریعتی!!!

«تفاوت اصلی بعضی مسلمانان با کفار در آن است که ایشان در دنیای بعد از مرگشان دنبال(بهشت) همان آرزویی هستند که کفار در دنیای واقعی و غیر مجازی آنرا میجویند. شرابهایی الوان، حوریان و غلمان (احتمالا برای کسانی که تمایل به جنس موافق دارند)، باغهای سرسبز، تختهای نرم و روان، ارگاسمهای طولانی و ...»
تشیع صفوی تشیع علوی خوب اگر واقعا این اعمال زشت و حیوانی است چرا پاداش اعمالتان را در این کارهای زشت و حیوانی جستجو میکنید و اگر نیست چرا دیگرگانی را بخاطر نوع تفکر و عمل

متفاوتشان سرزنش میکنید؟؟؟
پ.ن. واقعا که مسلمانان پدیده هایی عجیبند

یعقوب

http://no-religion.blogspot.com

رهبر بوس نمیده!!

(لطفا به شیوه کودکان دبستانی زیر کلاس سوم بخوانید!)

رهبر آمد.
رهبر با چفیه آمد.
رهبر بدون محافظ آمد.
رهبر کتاب دارد.
رهبر کتاب دوست دارد.
رهبر کتابفروش را دوست دارد.
ما رهبر داریم.
ما رهبر را دوست داریم.
ما دوست داریم رهبر را بوس کنیم.

ما روزنامه دوست داریم.
رهبر روزنامه دوست ندارد.
رهبر کیهان دوست دارد.
ما کیهان دوست نداریم.
رهبر ما را بوس نمیکند.
رهبر کراواتی را دوست ندارد.
ما کراواتی نیستیم.
اما باز هم رهبر ما را دوست ندارد.

و السلام
التماس دعا.

رهبر خودم

http://rahbarkhodam.blogspot.com

رادیو و تلویزیون کانال جدید!

این اولین رسانه صوتی و تصویری ۲۴ ساعته چپ جامعه ایران است. کانال جدید فصل جدیدی را در تاریخ رسانه های جمعی آغاز خواهد کرد. این تلویزیون هر روزه از طریق ماهواره تل استار ۱۲ از ساعت ۸ تا ۱۰ شب بوقت تهران پخش خواهد شد. در ۲۲ ساعت

جمعی برادران از دیدن این تصویر مکروهه (اشاره به عکس دوچرخه سواری دختران در تهران) نظر ما را پرسیده اند که علیرغم اینکه مشتکی از خدا و ولی اش بیخبر برای نظر ما تره هم خرد نمیکند، دو باره فتوایی صادر میکنیم! استعمال هرگونه مرکوب دوچرخه که دارای حفاظ و حایلی مناسب شرع نباشد بر جماعت نسوان حرام میباشد! راندن وسیله نقلیه ی دو چرخ دارای پوشش اسلامی بصورتی که تنها قرص و صورت و انگشتان دست دیده شود بلا اشکال است. بهتر آن است که از دستکش استفاده شود. احوط آن است ک بهنگام راندگی شخص مذکر محرمی بدنبال وسیله دوچرخ دیده تا از صحت و سلامت پوشش و ساتر اسلامی اطمینان حاصل شود.

والسلام فتوی تمام!
(توجه شود که این فتوی با درایت کامل و با الگو از سیره ی پیامبر که زنهاشو تو کجاوه میگذاشت و پرده ی کجاوه رو هم میکشید! صادر گردیده و مو لای درزش هم نمیره!

یا همین جور که گفتیم سوار میشیید یا دستور میدم همه ی دوچرخه ها، حتی همون دوچرخه ی جواد رو هم مصادره کنن و داغ دوچرخه رو روی دل ملت شهید پرور میگنارم!!

دیگر بر روی همین طول موج برنامه های رادیویی پخش خواهد شد. مشخصات رادیو و تلویزیون به قرار زیر است:

Satellite: Telstar 12X
Frequency: 12608 MHz
C e n t e r
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: Horizontal
رادیو و تلویزیون کانال جدید را در سطح وسیع تبلیغ کنید.

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت

۹ تا ۹:۳۰ بوقت تهران

از کانال جدید پخش میشود

(مشخصات کانال جدید در همین صفحه)

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۱۲۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد.

برنامه رادیویی سازمان جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۱۵ تا ۹:۳۰

(این برنامه ها را میتوانید در

روی سایت ما نیز گوش کنید)

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515296 20

0031-613248331

0049 1632693033

00358-400530468

001 604 709 8085

0044 78 90 80 9142

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک:

امید حدابخشی

مجیدپستچی

آلمان:

ایمان شیرعلی

سهند حسین زاده

کانادا:

سامان احمدی

فواد عبدالمی

انگلاستان

دبیر تشکیلات خارج:

مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی:

بهرام مدرسی

مشاور دبیر:

ثریا شهابی

آدرس پستی:

Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید: